

ایلیا - شماره سیزده

چهل و شش

Jeff Pippenger

2023-10-19

در مقاله پیشین، ایلیا را با تاریخ ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ منطبق می‌ساختیم. ایلیا به‌طور نمادین وارد آن تاریخ می‌شود، هنگامی که ویلیام میلر برای اعلام پیام فرشته اول برانگیخته شد. بیوه صارفت نمایانگر کلیسای امین است که دو چوب، یا دو ملت را گرد می‌آورد؛ دو ملتی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به یک ملت بدل می‌شدند.

و به ایشان بگو: خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من بنی‌اسرائیل را از میان امت‌ها، به هر جا که رفته باشند، خواهم گرفت، و ایشان را از هر سو جمع خواهم کرد، و به سرزمین خودشان خواهم آورد. و ایشان را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک امت خواهم ساخت؛ و یک پادشاه بر همه ایشان پادشاه خواهد بود؛ و دیگر هرگز دو امت نخواهند بود، و دیگر به هیچ‌وجه به دو مملکت تقسیم نخواهند شد. و دیگر خویشان را به بت‌های خود، و به چیزهای مکروه خود، و به هیچ‌یک از معاصی خویش نجس نخواهند ساخت؛ بلکه من ایشان را از همه مسکن‌هایشان که در آنها گناه کرده‌اند، رهایی خواهم داد، و ایشان را طاهر خواهم ساخت؛ پس ایشان قوم من خواهند بود، و من خدای ایشان خواهم بود. و بنده من داود بر ایشان پادشاه خواهد بود؛ و همه ایشان یک شبان خواهند داشت؛ و نیز در احکام من سلوک خواهند کرد، و فرایض مرا نگاه خواهند داشت و آنها را به‌جا خواهند آورد. و در زمینی که به بنده خود یعقوب داده‌ام، که پدران شما در آن ساکن بوده‌اند، ساکن خواهند شد؛ و در آن، خود ایشان و فرزندان ایشان و فرزندان فرزندان ایشان تا ابد ساکن خواهند بود؛ و بنده من داود تا ابد امیر ایشان خواهد بود. و نیز با ایشان عهد سلامتی خواهم بست؛ و آن برای ایشان عهدی جاودانی خواهد بود؛ و ایشان را استوار خواهم ساخت، و کثرت خواهم بخشید، و مقدس خود را تا ابد در میان ایشان قرار خواهم داد. و مسکن من نیز با ایشان خواهد بود؛ آری، من خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود. و چون مقدس من تا ابد در میان ایشان باشد، امت‌ها خواهند دانست که من، یهوه، اسرائیل را تقدیس می‌کنم. حزقیال ۲۱: ۲۸-۳۷.

برکات متعددی وجود دارد که حزقیال آن‌ها را برای آن دو چوب مشخص می‌سازد؛ همان دو امتی که یک امت می‌شوند. ما بررسی خود را با تأمل در چهار مورد از آن برکات آغاز خواهیم کرد؛ همان‌هایی که خواهر وایت آن‌ها را به‌عنوان چهار «آمدن» مشخص کرده است، و همگی در یک زمان، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، به انجام رسیدند.

«لهگو ی مسیح به‌حیث کاهن اعظم ما به‌مقام اقدس، برای تطهیر قدس، چنان‌که در دانیال ۸:۱۴ بنمایش آورده شده است؛ و آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به‌پیکل خویش، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحدند؛ و این نیز به‌آمدن داماد به‌مراسم عروسی، آن‌گونه که مسیح در مثل ده باکره در متی ۲۵ بیان کرده است، تمثیل شده است.» نزاع عظیم، ۴۲۶.

نخستین «آمدنی» که خواهر وایت به آن اشاره می‌کند، آمدن کاهن اعظم برای «تطهیر مقدس» است، که می‌بایست در پایان دو هزار و سیصد سال واقع شود. آن آیه پاسخ پرسش دانیال باب هشت و آیه سیزده را فراهم می‌آورد که می‌پرسد: «این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر، که هم مقدس و هم لشکر را به پایمال‌شدن بسپارد، تا به کی خواهد بود؟» آیه چهاردهم معین می‌سازد که

تطهیر مقدس در پایان دو هزار و سیصد سال آغاز خواهد شد. حزقیال می‌گوید که خدا «بنی اسرائیل را از میان امت‌ها، هر جا که رفته باشند، خواهد گرفت و ایشان را از هر سو جمع خواهد کرد، ... و آن قومی که جمع آورده می‌شود، دیگر خود را نجس نخواهند ساخت»، زیرا خدا «ایشان را طاهر خواهد ساخت؛ پس ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود.»

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، دومین «آمدنی» که خواهر وایت به آن اشاره کرد، تحقق دانیال باب هفتم، آیه سیزده بود، که بیان می‌دارد پسر انسان نزد قدیم‌الایام می‌آید تا پادشاهی را دریافت کند. حزقیال می‌گوید که خدا «ایشان را در زمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک امت خواهد ساخت؛ و یک پادشاه بر جمیع ایشان پادشاه خواهد بود.» حزقیال مسیح را با نام «داود» به عنوان پادشاه معرفی می‌کند، آن‌جا که می‌گوید «بنده من داود بر ایشان پادشاه خواهد بود.» او همچنین مشخص می‌سازد که مسیح، به عنوان داود، «یک شبان» ایشان خواهد بود و نیز اینکه «بنده من داود» همچنین «تا ابد رئیس ایشان خواهد بود.» پادشاه، بنا بر تعریف، به عنوان پادشاه نیازمند لقب خویش است، و باید قلمرویی برای فرمانروایی و تبعه‌گان پادشاهی خود داشته باشد. اگر تبعه‌ای در کار نباشد، پادشاهی‌ای نیز وجود نخواهد داشت.

در رؤیاهای شب دیدم، و اینک کسی مانند پسر انسان با ابرهای آسمان می‌آمد، و نزد قدیم‌الایام رسید، و او را به حضور وی آوردند. و به او سلطنت و جلال و پادشاهی داده شد، تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت کنند؛ سلطنت او سلطنتی جاودانی است که زایل نخواهد شد، و پادشاهی او پادشاهی‌ای است که هرگز نابود نخواهد گردید. دانیال ۷:۱۳، ۱۴

تیسرا "آمدن" جس کی نشان دہی سسٹر وائٹ نے کی، وہ وہ تھا جب مسیح، "عہد کے قاصد" کے طور پر، لاوی کے بیٹوں کو پاک کرنے کے لیے اچانک اپنی ہیکل میں آیا۔ حزقی ایل کہتا ہے کہ مسیح "ان کو پاک کرے گا: اور وہ میری قوم ہوں گے، اور میں ان کا خدا ہوں گا،" اور یہ کہ "مزید برآں" وہ "ان کے ساتھ سلامتی کا عہد" قائم کرے گا، جو "ہمیشگی کا عہد" ہوگا۔ یہ عہد اس وقت پورا ہوگا جب خدا اپنا "مقدس ان کے درمیان" قائم کرے گا، اور یہ کہ "قومیں جان لیں گی کہ میں خداوند اسرائیل کو مقدس ٹھہراتا ہوں، جب میرا مقدس ان کے درمیان ہوگا۔"

अचानक, हो ढूँढते तुम जसै, प्रभु वह और; करेगा तैयार मार्ग आगे मेरे वह और, भेजूंगा दूत अपना मैं, देखो सेनाओं, आएगा वह, देखो; हो होते प्रसन्न तुम जसिसे, दूत वह का वाचा अर्थात्; जाएगा आ में मन्दिर अपने तब, होगा प्रकट वह जब और? सकेगा ठहर कौन में दनि के आने उसके परन्तु है। वचन यही का यहोवा के चाँदी वह है। समान के साबुन के धोबियों और समान के आग की कसौटी वह क्योंकि? सकेगा रह खड़ा कौन उन्हें और, करेगा शुद्ध को सन्तानों की लेवी वह और; जाएगा बैठ समान के करनेवाले शुद्ध और गलाने को और यहूदा तब चढ़ाएँ। भेट साथ के धर्म लए के यहोवा वे ताक, करेगा नर्मल समान के चाँदी और सोने थी। लगती में वर्षों के पूर्वकाल और में दनिों प्राचीन जैसे, लगेगी प्रयि ही वैसे को यहोवा भेट की यरूशलेम
मलाकी 4:1-3

قاصدی که راه را برای مسیح، «رسول عہد»، در تاریخ 1798 تا 1844 آماده ساخت، ایلیا بود، آن‌گونه که در شخص ویلیام میلر تجسم یافت. هنگامی که مسیح ناگهان به معبد خود آمد، «پسران لاوی» را همچون «آتش پالاینده» تطهیر کرد.

ورود دیگر که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسید، آمدن داماد بود. حزقیال دو بار تصریح می‌کند که آن قومی که از دو چوب گرد آورده شدند، «قوم» خدا خواهند بود، و او «خدای ایشان خواهد بود». این امر با ازدواج تحقق یافت. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، آن چهار نبوتی که به انجام رسید و خواهر وایت به آنها اشاره می‌کند، همگی به واسطه شهادت دو چوب حزقیال مشخص می‌شوند.

الیاس نمایانگر آن پیامی‌آوری است که راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد. مسیح، یحیی تعمیددهنده را آن پیامی‌آوری معرفی کرد که راه را برای نخستین آمدن او آماده ساخت. خواهر وایت، ویلیام میلر را به‌عنوان الیاس معرفی کرد، و میلر راه را برای آمدن مسیح به‌عنوان «کاهن اعظم»، «پسر انسان»، «رسول عهد» و «داماد» مهیا ساخت.

بعد از سه سال و نیم، ایلیا از صافه، جایی که نزد آن بیوه‌زن و پسرش اقامت داشت، بازآمد و به آخاب فرمان داد که تمامی اسرائیل را به کرمل فراخواند. حزقیال می‌گوید امت‌ها خواهند دانست که خدا، خداست، هنگامی که مقدس خود را در میان قومی که از دو چوب گرد آورده شده است قرار دهد. ایلیا بر کوه کرمل به اسرائیل گفت که برگزینند آیا خدا، خداست یا بعل خداست؛ اما او این پرسش را نه فقط در چارچوب اینکه خدای حقیقی کدام است، بلکه همچنین در چارچوب اینکه نبی حقیقی کدام است، مطرح کرد.

اور ایلیاه تمام لوگوں کے پاس آیا اور کہا، تم کب تک دو راؤں میں لنگڑاے رہو گے؟ اگر خداوند ہی خدا ہے تو اُس کے پیچھے چلو، لیکن اگر بعل ہے تو پھر اُس کے پیچھے چلو۔ اور لوگوں نے اُسے ایک لفظ بھی جواب نہ دیا۔ پھر ایلیاہ نے لوگوں سے کہا، میں، ہاں میں ہی اکیلا، خداوند کا نبی باقی رہ گیا ہوں؛ لیکن بعل کے نبی چار سو پچاس آدمی ہیں۔ 1 سلاطین 18:21، 22.

تمام اسرائیل، از جمله آخاب، هنگامی که آتش از آسمان فرود آمد و قربانی ایلیا را فروبلعید، دانستند که خدای ایلیا خداست. فرود آمدن آتش بر کوه کرمل نشانگر آن است که خدا مقدس خویش را در میان آن امتی که از دو چوب ساخته شده بود، قرار داد. معجزه آتش بر کوه کرمل آشکار ساخت که خدا، خداست و بعل خدایی باطل است.

معجزه ساریپتا، آنگاه که ایلیا سه بار بر پسر مرده آن بیوه زن دراز کشید، برای او ثابت کرد که ایلیا مرد خداست؛ و معجزه کرمل نیز همین امر را به انجام رسانید. آتش کرمل نه تنها ثابت کرد که خدا، خداست، بلکه نشان داد که ایلیا نبی راستین خداست، در تقابل با انبیای بعل و انبیای بیشه‌ها. در تاریخ 1840 تا 1844، بر میلر و میلری‌ها نیز آشکار شد که انبیای راستین‌اند، در تقابل با انبیای کاذب پروتستانیسم مرتد، که در همان تاریخ نشان داده بودند که دختران ایزابل هستند.

ایلیا در کرمل نمایانگر کار شناسایی شاخ حقیقی پروتستان است، زیرا پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس، یعنی وحش زمین مکاشفه سیزدهم، شاخی از پروتستانیسم و شاخی از جمهوری‌خواهی دارد، و سلطنت آن در سال ۱۷۹۸ تازه آغاز شده بود. در سال ۱۷۹۸، در پایان سه سال و نیم حکومت ایزابل، ایلیا از صافه آمد تا به‌روشنی تمایز گذارد که کدام کلیسا شاخ پروتستانیسم بر وحش زمین بود.

بیوه صافه از تاریخ طیاتیرا به سوی عروسی در حرکت بود، جایی که قرار بود بیوگی او برداشته شود. پسر برخاسته او نمایانگر کسانی است که در طی سه سال و نیم خشکسالی به دست ایزابل به قتل رسیدند. آن دو چوبی که او برای افروختن آتش گرد می‌آورد، همان دو خاندان اسرائیل تحت اللفظی بودند که می‌بایست با هم به صورت یک امت جمع شوند، و آن امت، اسرائیل روحانی بود. آن بیوه می‌خواست از آن دو چوب برای برپا کردن آتش استفاده کند؛ امری که در کرمل و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ واقع شد، هنگامی که رسول عهد، پسران لاوی را با «آتش پالایشگر» تطهیر کرد.

آگ نماد ریزش روح خداست، که در کرمل و نیز در فریاد نیمه‌شب، که اوج آن در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود، واقع شد.

अचानक और थे। इकट्ठे में स्थान ही एक होकर मन एक सब वे तो, गया हो पूरा दनि का पनितेकुसुत जब और और गया। भर सब वह थे बैठे वे मे घर जसि और, हुआ शब्द एक समान के आधी वेगवाली प्रचण्ड से आकाश

आत्मा पवतिर सब वे और ठहरी। आ पर एक हर से उनमें और, दी दिखाई जहियाँ हुई बँटी सी की आग उन्हें था। देता सामर्थ्य की बोलने उन्हें आत्मा जैसा, लगे बोलने भाषाएँ अन्य- अन्य और, गए हो परपूर्ण से
I 2:1-4 काम के प्रेरितों

ریزش روح نمایانگر اعلام یک پیام است، و آن بیوه زن در صدد بود آتشی برافروزد تا بتواند غذایی برای خوردن آماده کند، که آن نیز پیامی است.

اور میں فرشتے کے پاس گیا اور اُس سے کہا، مجھ وہ چھوٹی کتاب دے دے۔ اُس نے مجھ سے کہا، اسے لے اور کھا جا؛ یہ تیرے پیٹ کو کڑوا کرے گی، لیکن تیرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی ہوگی۔ اور میں نے وہ چھوٹی کتاب فرشتے کے ہاتھ سے لے لی اور اسے کھا گیا؛ اور وہ میرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی تھی، اور جونہی میں نے اسے کھایا، میرا پیٹ کڑوا ہو گیا۔ مکاشفہ 10:9، 10:10۔

پیامی کہ آخاب بی درنگ بہ ایزابل اعلام کرد این بود کہ خدای ایلیا، خدای حقیقی است، زیرا آخاب بہ تازگی شاهد آن بود کہ خدای ایلیا با آتش پاسخ داده است۔ پیامی کہ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بی درنگ گشوده شد، پیام فرشتہ سوم بود۔ در ہر یک از این دو مورد، پیامی کہ آخاب رسانید یا پیام فرشتہ سوم، ایزابل را بہ خشم می آورد۔

لیکن مشرق اور شمال کی طرف سے آنے والی خبریں اسے پریشان کریں گی؛ اس لیے وہ بڑے قہر کے ساتھ نکلے گا تاکہ ہلاک کرے اور بہت سوں کو بالکل نابود کر دے۔ دانی ایل 11:44۔

«اخبار از مشرق و شمال» در دانیال، نمایانگر پیامی است کہ پادشاہ شمال را، کہ همان ایزابل است، بہ خشم می آورد، و او آزار و جفای نہایی تاریخ زمین را آغاز می کند۔ آن پیام، بہ وسیلہ پیام آخاب بہ ایزابل، و نیز با فرارسیدن پیام فرشتہ سوم در آغاز دآوری در سال ۱۸۴۴، بہ تصویر کشیدہ شد۔

و آخاب یزابل را از ہر آنچہ ایلیا کردہ بود، و نیز از این کہ چگونہ ہمہ انبیا را بہ شمشیر کشتہ بود، آگاہ ساخت۔ آنگاہ یزابل قاصدی نزد ایلیا فرستاد و گفت: «خدایان با من چنین بلکہ شدیدتر نیز بکنند، اگر تا فردا در ہمین وقت، جان تو را همچون جان یکی از آنان نگردانم۔» اول پادشاہان ۱۹:۱، ۲

ایلیا، بہ مثابہ یک نماد، از طریق دورہ زمانی بیابان از سال 538 تا 1798 بازنمایی می شود۔ سپس در سال 1798، ایلیا در تاریخ بہ صورت ویلیام میلر ظاہر می شود۔ در سال 1844، ایلیا آتش فریاد نیمہ شب را از آسمان فرومی خواند۔ سپس در سال 1863، ایلیا و پیام او رد شدند۔ پیام او همان پیام موسی درباره «ہفت زمان» بود، کہ همچنین بہ وسیلہ پیام دو چوب حزقیال بازنمایی می شد۔ گرد آمدن آن دو چوب در پایان پراکندگی آنها، پیام بیوہ صارفہ بود، و او آن دو چوب را پیش از آمادہ کردن غذایی گرد آورد۔

ادونتیسیم میلری، بنا بر گفتہ جیمز و الن وایت، در سال ۱۸۵۶ بہ ادونتیسیم لائودیکہ ای بدل شد، و ہنگامی کہ پس از آن در سال ۱۸۶۳ پیام ایلیا درباره «ہفت زمان» موسی را رد کردند، توانایی منطقی درک افزایش معرفت «ہفت زمان» را کہ خدا در پی آن بود کہ در سال ۱۸۵۶ آشکار سازد (از طریق ہشت مقالہ ناتمام ہیرام ادسون)، از میان برداشتند۔ آنان بنا بر منطق ناگزیر شدند آغاز بہ فرو ریختن نظام بنیادی حقایقی کنند کہ فرشتگان، ویلیام میلر را بہ گردآوردن آن ہدایت کردہ بودند۔ نخستین «سنگی» کہ بہ وسیلہ میلر کشف شد، سنگ بنیادینی بود کہ ادونتیسیم لائودیکہ ای در سراسر تاریخ خود بر آن لغزش می خورد۔ رد کردن آن نخستین سنگ حقیقت، نابینایی لائودیکہ را پدید آورد؛ نشانہ ای کہ درمان پذیر است، اما بہ ندرت در پی درمان آن می روند۔

پاک سازی ہیکل کہ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، شامل پاک سازی «لشکر» ی نیز بود کہ ہمراہ با مقدس در دانیال ۸:۱۳ پایمال شدہ بود۔ این لشکر بہ وسیلہ «دو چوب» ی کہ بیوہ صارفہ برای آتش گرد آورده

بود، نمادین شده بود. آن دو چوب، دو خاندان اسرائیل باستان تحت اللفظی بودند. افرایم و یهودای تحت اللفظی می‌بایست در آغاز دآوری، به وسیله رسول عهد، در یک ملت روحانی گرد آورده شوند و تطهیر گردند. آن دو قوم همان «لشکر» بودند که پایمال شده بودند.

یایق زحده و هت فر هک ره هب، اهات ما نایم زا ار لی ئارس ای نب» ادخ هک دوب نی ا «دروا ده اوخ ناش دوخ نی مزر رس هب» و «درک ده اوخ عمج ار نان آ» و «تفرگ ده اوخ، دن شاب نی مزر رس. دوب ادوهی ای، دوعوم نی مزر رس ای، لالچ نی مزر رس، literal، لی ئارس نی مزر رس. دوب مه دزی سه فشا کم خاش و دی نی مزر رس و نآ نی مزر رس، ۱۷۹۸ لاس رد لالچ نی احور

در آن روزی که دست خود را برای ایشان بلند کردم تا ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورم و به زمینی که برای ایشان برگزیده بودم درآورم، زمینی که از شیر و عسل جاری است و جلال همه زمین‌هاست... با این همه، در بیابان نیز دست خود را برای ایشان بلند کردم که ایشان را به آن زمینی که به ایشان داده بودم، زمینی که از شیر و عسل جاری است و جلال همه زمین‌هاست، درنیاورم. حزقیال ۲۰:۶، ۱۵.

دو خانه حقیقی اسرائیل در سرزمینی می‌زیستند که «جلال همه زمین‌ها» بود، سرزمینی که از «شیر و عسل» «جاری» بود. هنگامی که آن دو خانه حقیقی اسرائیل همچون اسرائیل روحانی با یکدیگر جمع شدند، به ایشان وعده داده شد که در سرزمین خودشان قرار داده شوند. «سرزمین جلالی» روحانی جایی است که حرکت میلی‌ها در آغاز و حرکت صد و چهل و چهار هزار نفر در پایان، در طول سلطنت وحش زمین، در آن قرار دارند. حرکتی که نماینده صد و چهل و چهار هزار نفر است، تنها می‌توانست در سرزمین وحش زمین برانگیخته شود. حرکتی که ادعا کند حرکت فرشته سوم است و از هر سرزمین دیگری برخاسته باشد، جعلی است، زیرا آلفا و امگا همواره پایان را به وسیله آغاز به تصویر می‌کشد.

«رحمت‌ها و برکت‌های بی‌همتای خدا بر ملت ما فرو باریده است؛ این سرزمین، سرزمین آزادی و مایه جلال تمامی زمین بوده است. اما به‌جای آنکه شکرگزاری را به خدا بازگردانند، به‌جای آنکه خدا و شریعت او را حرمت نهند، مسیحیان معترف آمریکا به خمیرمایه غرور، طمع، و خودبسندگی آغشته شده‌اند...»

«زمانی فرا رسیده است که دآوری در کوچه‌ها به زمین اقتاده است، و انصاف نمی‌تواند وارد شود، و آن که از شرارت دوری می‌گزیند، خود را طعمه می‌سازد. اما بازوی خداوند کوتاه نشده است تا نتواند نجات دهد، و گوش او سنگین نشده است تا نتواند بشنود. مردم ایالات متحده قومی برخوردار از لطف بوده‌اند؛ اما هنگامی که آزادی دینی را محدود سازند، پروتستانیسم را واگذارند، و به پاپ‌گرایی مجال و اعتبار دهند، پیمانۀ گناه ایشان لبریز خواهد شد، و «ارتداد ملی» در کتاب‌های آسمان ثبت خواهد گردید. نتیجه این ارتداد، ویرانی ملی خواهد بود.» Review and Herald, May 2, 1893

دانیال باب هشتم کی آیات تیره اور چوده میں مقدس اور لشکر دونوں کے پامال کیے جانے کی نشاندہی کی گئی ہے۔ لشکر سے مراد لفظی اسرائیل کے دونوں گھرانے تھے۔ تاریکی کے عہد کے بارہ سو ساٹھ برسوں کے دوران یروشلم پامال کیا گیا۔

و به من نی ای همانند عصا داده شد؛ و فرشته ایستاده، گفت: برخیز و هیکل خدا و مذبح و پرستندگان در آن را اندازه بگیر. اما صحن بیرون هیکل را واگذار و آن را اندازه بگیر، زیرا به امت‌ها داده شده است؛ و ایشان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. مکاشفہ ۱۱:۲، ۲

یوحنا در فصل یازدهم مکاشفہ مأمور می‌شود که نه تنها هیکل، بلکه «پرستندگان در آن» را نیز اندازه‌گیری کند. یوحنا از نظر نبوی در 22 اکتبر 1844 قرار داده شده بود، هنگامی که به او فرمان داده

شد هیکل و پرستندگان در آن را اندازه‌گیری کند.

پس آن کتاب کوچک را از دست فرشته گرفتم و آن را بلعیدم؛ و در دهانم چون عسل شیرین بود؛ و چون آن را خوردم، شکمم تلخ شد. مکاشفه 10:10.

در آیه دهم از باب دهم مکاشفه، یوحنا نمایانگرِ نومیدی تلخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود، و بی‌درنگ به او گفته شد که هم مقدس و هم لشکر را اندازه بگیرد. موضوع پرسش دانیال هشت و آیه سیزده، پایمال شدن هر دو، یعنی مقدس و لشکر، است. یوحنا به ما اطلاع می‌دهد که «امت‌ها» می‌بایست «شهر مقدس» را «چهل و دو ماه» «زیر پا لگدمال» کنند. چهل و دو ماه همان سه سال و نیم ایلیا بود. این دوره، اعصار تاریک از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بود. یوحنا، در حالی که از لحاظ نیوتی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ایستاده بود، مأمور شد که صحن را واگذارد و «آن را اندازه بگیر، زیرا به امت‌ها داده شده است، و ایشان شهر مقدس را چهل و دو ماه زیر پا خواهند لگدمال کرد.»

هنگامی که به یوحنا گفته شد «معبد، و مذبح، و پرستندگان در آن را» اندازه‌گیری کند، در عبارت دانیال باب هشت و آیه سیزده، به او گفته شد که مقدس و لشکر را اندازه‌گیری کند. اگر به یوحنا گفته شده بود که هزار و دویست و شصت سال را بشمارد، پس او می‌بایست از 1798 تا جایی که در 1844 ایستاده بود اندازه‌گیری کند. 1798 تا 1844، هنگامی که اندازه‌گیری شود، نمایانگر چهل و شش سال است. آغاز چهل و شش سال در 1798 بود، زمانی که «هفت زمان» موسی علیه خاندان شمالی اسرائیل به انجام رسید. پایان چهل و شش سال در 1844 بود، زمانی که «هفت زمان» موسی علیه خاندان جنوبی اسرائیل به انجام رسید. اندازه‌گیری یوحنا برابر با چهل و شش سال است. عدد چهل و شش نماد معبد است. عیسی گفت این معبد را ویران کنید، و در سه روز آن را برپا خواهم کرد، اما یهودیان جدل‌گر استدلال کردند که این معبد در چهل و شش سال بنا شده بود.

عیسی در پاسخ ایشان گفت: «این معبد را ویران کنید، و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» پس یهودیان گفتند: «چهل و شش سال صرف بنای این معبد شده است، و تو آن را در سه روز برپا خواهی کرد؟» اما او درباره معبد بدن خود سخن می‌گفت. یوحنا ۱۹:۲-۲۱.

عیسی پس از سقوط آدم، با همه انحطاط‌های موروثی آن، جسم آدم را بر خود گرفت تا نمونه‌ای بر جای نهد که ما نیز چنان‌که او غالب آمد، غالب آییم. بر پایه دو شاهد، تعلیم دادن این‌که جسم مسیح حامل تباهی‌های موروثی چهار هزار سال گناه نبود، ترویج شراب بابل است؛ زیرا تعلیم این‌که مسیح آن ضعف‌های موروثی را نپذیرفت، از آموزه‌های اصلی کاتولیسیسم است.

و هر روحی که اقرار نکند که عیسی مسیح در جسم آمده است، از خدا نیست؛ و این است آن روح ضد مسیح که شنیده‌اید می‌آید، و اکنون نیز بالفعل در جهان است. اول یوحنا ۴:۳.

زیرا بسیاری از فریب‌دهندگان به جهان درآمده‌اند، آنان که اقرار نمی‌کنند که عیسی مسیح در جسم آمده است. این است آن فریب‌دهنده و ضد مسیح. ۲ یوحنا ۱:۷.

معبد بدن مسیح، معبد بدن هر انسان بود.

«مسیح در بیابان ویران، برای تحمل وسوسه‌های شیطان، در موقعیتی به آن اندازه مساعد نبود که آدم هنگامی که در عدن مورد وسوسه قرار گرفت، بود. پسر خدا خویشتن را فروتن ساخت و طبیعت انسان را بر خود گرفت، پس از آنکه نسل بشر چهار هزار سال از عدن و از حالت نخستین پاکی و راستی خود دور شده بود. گناه طی اعصار، نشانه‌های هولناک خود را بر این نسل بر جای می‌نهاد؛ و تباهی جسمانی، ذهنی، و اخلاقی در سراسر خاندان انسان غلبه داشت.»

«آنگاه که آدم در عدن از سوی وسوسه‌گر مورد هجوم قرار گرفت، از هر آلودگی گناه مبرا بود. او در قوت کمال خویش در حضور خدا ایستاده بود. همه اندام‌ها و قوای وجود او به‌طور یکسان پرورش یافته و به‌گونه‌ای هماهنگ در تعادل بودند.»

«Փորձության անապատում, կանգնեց Ադամի տեղում կրելու այն 268»
 փորձությունը, որին նա չկարողացավ դիմանալ: Այստեղ Քրիստոսը հաղթեց մեղավորի փոխարեն՝ Ադամի՝ իր տան լույսից երես թեքելուց չորս հազար տարի անց: Աստծո ներկայությունից բաժանված՝ մարդկային ընտանիքը, յուրաքանչյուր հաջորդ սերնդով, ավելի ու ավելի էր հեռանում այն սկզբնական մաքրությունից, իմաստությունից և գիտությունից, որ Ադամը ուներ եղեմում: Քրիստոսը կրեց ցեղի մեղքերն ու տկարությունները այնպես, ինչպես դրանք կային, երբ նա եկավ երկիր՝ մարդուն օգնելու: Ցեղի անունից, իր վրա ունենալով ընկած մարդու թուլությունները, նա պետք է դիմագրավեր սատանայի փորձություններին բոլոր այն կետերում, որոնցով մարդը պիտի ենթարկվեր հարձակման»: Selected Messages, գիրք 1, 267, 268»

در فصل دوم یوحنا، مسیح از بدن خود به منزلهٔ هیکل سخن می‌گفت، و هیکل بدن او، هیکل یک انسان بود با انحطاط‌های چهار هزار سال ضعف انباشته. هیکل انسانی که مسیح بدان اشاره کرد، از چهل‌وشش کروموزوم تشکیل شده است. هنگامی که موسی برای دریافت شریعت و دستورالعمل برپاداشتن هیکل بر سینا صعود کرد، چهل‌وشش روز بر کوه بود. حزقیال به این اشاره می‌کند که مسیح هیکل خود را در «میان» آن دو چوب قرار می‌دهد. فاصلهٔ زمانی از پایان هفت زمان پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی که به یوحنا گفته شد آن را اندازه‌گیری کند، چهل‌وشش سال بود، و آن نمایانگر «میان» یا فاصلهٔ زمانی بین 1798 و 1844 بود. در آن چهل‌وشش سال، عیسی هیکل روحانی را برپا داشت که چون به‌عنوان رسول عهد بیاید، ناگهان آن را تطهیر خواهد کرد. او به‌عنوان رسول عهد، شریعت خود را بر دل‌های قوم خویش خواهد نوشت. آن شریعت به‌وسیلهٔ دو لوح نمایانده شده است. لوح نخست چهار فرمان دارد، و لوح دوم شش فرمان. این دو با هم عدد چهل‌وشش را نمایان می‌سازند.

گردآوری اسرائیل روحانی از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، بیانگر گردآوری اسرائیل روحانی است، اما همچنین نشان‌دهندهٔ برپایی یک معبد نیز هست.

نزد او بیاوید، که همچون سنگی زنده است؛ هرچند از سوی آدمیان مردود شمرده شد، اما نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست. شما نیز، چون سنگ‌های زنده، بنایی روحانی بنا می‌شوید، کهانت مقدس، تا قربانی‌های روحانی را که به‌واسطهٔ عیسی مسیح نزد خدا مقبول است، تقدیم کنید.

لهذا کلام مقدس میں بھی یہ مذکور ہے: "دیکھو، میں صیون میں ایک برگزیدہ، گران قدر، کونے کے سیرے کا پتھر رکھتا ہوں؛ اور جو اُس پر ایمان لائے گا وہ برگز شرمندہ نہ ہوگا۔"

پس برای شما که ایمان می‌آورید، او گران‌بهاست؛ اما برای آنان که نافرمان‌اند، «سنگی که بتایان رد کردند، همان، سر زاویه شده است»، و نیز «سنگ لغزش و صخرهٔ عثر»؛ یعنی برای آنان که از کلام می‌لغزند، چون نافرمان‌اند؛ و برای همین نیز مقدر شده بودند.

لیکن تم ایک برگزیدہ نسل، شاہی کہانت، مقدس قوم، اور خدا کی خاص ملکیت ہو، تاکہ تم اُس کی بزرگیوں کا اعلان کرو جس نے تمہیں تاریکی میں سے اپنی عجیب روشنی میں بلایا ہے؛ تم جو پہلے لوگ نہ تھے، مگر اب خدا کے لوگ ہو؛ جن پر رحم نہ ہوا تھا، مگر اب تم پر رحم ہوا ہے۔ Peter 1: 2:4-10

معبدی که از سال 1798 تا 1844 برپا گردید، دربرگیرنده طبقه‌ای است که برای نافرمانی «مقرر» شدند. نافرمانی ایشان در ردّ «هفت زمان»، «سنگ زاویه»، «سنگی که معماران رد کردند» که همان «صخره لغزش» و «سنگ مصادم» است، آشکار شد.

هغه ډله چې «د خدای له خوا غوره شوې» وه، هغه «ډبره» یې وپېژندله چې «د خلکو له خوا رد شوې» وه، د «ژوندۍ ډبرې» په توګه، او د هغې «ډبرې» په توګه چې «د خدای له خوا غوره شوې، او» «ګرانه» وه. «د خدای غوره شوي»، «غوره شوی نسل»، په «پخوانیو وختونو» کې «یو قوم نه وو، خو» وروسته به «د خدای قوم» کېدل. کله چې خدای هغه دوه لښتې سره راتپولې کړې، هغوی یې له «بتپرستو قومونو» څخه راویستل. هغوی به د هغه قوم ګرځېدل، کله چې هغه دواړه ملتونه د 1798 څخه تر 1844 پورې په هغو شپږ څلویښتو کلونو کې سره یو کړل.

فقط یک بنیاد وجود دارد، و آن بنیاد عیسی مسیح است؛ اما «سنگِ لغزش» که بنیادِ تاریخِ ردشده به‌وسیلهٔ نافرمانان بود، همان «هفتِ زمان» موسی بود. هنگامی که «هفتِ زمان» در سال ۱۸۶۳ رد شد، این ردِ عیسی مسیح بود.

طبق افسانه‌ها که استنباط می‌کند تطهیر مقدس که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، تنها تحقق نبوت دو هزار و سیصد ساله بود، مقدسی تهی، مقدسی بی‌لشکر، و پادشاهی‌ای بی‌شهروند را معرفی می‌کند. هیچ مقصودی برای مقدس که از سوی الهام ارائه شده باشد، برتر و مقدم‌تر از آنچه خدا فرمود مقصود مقدس است، وجود ندارد.

و ایشان برای من مقدسی بسازند تا در میان آنان ساکن شوم. خروج 25:8.

در کتاب مقدس، مقدس خدا همواره با قوم او، که لشکرند، مرتبط است. دو چوب حزقیال، که به عنوان دو قوم شناخته شده‌اند، می‌بایست یک قوم شوند و مقدس خدا در میان ایشان باشد. تحریف پرسش آیه سیزدهم دانیال هشت، به منظور پنهان ساختن آنچه پرسش در حقیقت می‌پرسد، هم‌زمان به معنای رد کردن «قدوس معین» در آیه سیزدهم نیز هست، که از او خواسته شد به آن پرسش پاسخ دهد.

پھر میں نے ایک مقدس کو کلام کرتے سنا، اور ایک دوسرے مقدس نے اُس مخصوص مقدس سے جو کلام کر رہا تھا کہا، روزانہ قربانی، اور ویرانی کی سرکشی کی بابت یہ رویا کب تک رہے گی، کہ مقدس اور لشکر دونوں پامال کیے جائیں؟ اور اُس نے مجھ سے کہا، دو ہزار تین سو دنوں تک؛ پھر مقدس پاک کیا جائے گا۔ دانی ایل 8:13، 14۔

موجود آسمانی که این پرسش از او شد، «آن قدّیس معین» خوانده شده است، و این تعبیر از واژه عبری «Palmoni» ترجمه شده است، که به معنای شمارنده شگفت‌انگیز، شمارنده اسرار است. در این بخش، که ستون مرکزی و بنیاد ادونتیسیم است، مسیح خویشتن را به عنوان شمارنده شگفت‌انگیز معرفی می‌کند. او این کار را دقیقاً در همان جایی انجام می‌دهد که رابطه میان طولانی‌ترین نبوت زمانی کتاب مقدس و نیز نبوت زمانی دو هزار و سیصد روز را مشخص می‌سازد. طولانی‌ترین نبوت زمانی، سوگند موسی است، که همان هفت زمان لاویان پیست‌وشش است. این همان نبوتی است که پراکندگی و به بردگی رفتن هر دو خانه اسرائیل را معین می‌کند؛ همان‌ها که در آیه سیزده به عنوان «لشکر» معرفی شده‌اند که پایمال خواهند شد، حال آنکه آیه چهارده نبوت پایمال شدن قدس را معین می‌سازد. هر دو نبوت در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، پس از آنکه بیوه صرفه آن دو چوب را برای آتش رسول عهد گرد آورد، به انجام رسیدند.

هنگامی که ادونتیسیم نخستین حقیقتِ زمان نبوی را که فرشتگان ویلیام میلر را به فهم آن هدایت کرده بودند رد کرد، خود را کور ساخت. در سال ۱۸۵۶، با هشت مقاله هیرام ادسن، پالمونی کوشید نورِ هفت زمان را افزون سازد، اما بی‌حاصل بود. آنان پیام به لائودکیه را رد کردند و پنج نمودِ بدخیم

لائودکیه را پذیرفتند، و بدین‌سان خود را به‌عنوان پنج باکرهٔ جاهل معرفی کردند.

شصت‌وپنج سال اشعیا هفت، که در آغاز خود سال‌های 723BC، 742BC و 677BC را مشخص می‌سازد، در تاریخ پایانی 1798، 1844 و 1863 تکرار شد. آن تاریخ پایانی، به‌وسیلهٔ گردآوری دو چوب در حزقیال باب سی‌وهفت به تصویر کشیده شده است، و بیوه صارقَه (چنان‌که در یونانی عهد جدید خوانده می‌شود)، تاریخ برقراری رابطه‌ای عهدی از سوی خدا با اسرائیل روحانی در یهودای روحانی (سرزمین جلال) در خلال تاریخ ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است. آن تاریخ، که پایان نبوت شصت‌وپنج سال نیز هست، همچنین نمایانگر آغاز حیوان زمین مکاشفه سیزده است. در آغاز ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، پیوستن دو چوب، پایان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را به تصویر می‌کشد. آن تاریخ، دربردارنده تاریخی موازی از شاخ پروتستانیسیم و شاخ جمهوری‌خواهی است.

به‌طور نبوی، یک قدرت، یا یک شاخ، یا یک ملت، یا یک پادشاهی، یا یک پادشاه یا یک سر، بسته به زمینه‌ای که در آن به‌کار رفته‌اند، نمادهایی قابل‌تبادل هستند. تمامی این نمادها همچنین به آن دو چوب اشاره دارند که حزقیال آن‌ها را دو ملت معرفی می‌کند. در آغاز تاریخ نبوی وحش زمین، شاخ پروتستان در یک ملت، یا یک شاخ، گرد آورده شد. در پایان همان تاریخ، شاخ جمهوری‌خواه با شاخ پروتستان‌تیسیم مرتد به هم خواهد پیوست تا یک ملت را پدید آورد. آن ملت، تصویری برای وحش دریا در مکاشفه سیزده خواهد بود. از نظر منطقی، اگر از دیدن شهادت لعنت هفت زمانه سر باز زنیم (که بر ضد هر دو خانه اسرائیل تحت‌اللفظی اجرا شد)، یقیناً خواهیم توانست ببینیم که چگونه آن دو خانه تحت‌اللفظی اسرائیل باستان در سال 1844 به ملت اسرائیل روحانی بدل شدند. اگر نتوانیم آن تاریخ را ببینیم، مطلقاً «بی‌خبر» خواهیم بود از این‌که آن تاریخ در آغاز ایالات متحده چگونه تاریخ پایان را مشخص می‌کند، آنگاه که شاخ جمهوری‌خواه فرایند گردآوری و پیوستگی را که در آغاز با شاخ پروتستان به تصویر کشیده شد، تکرار می‌کند.

ما در مقالهٔ بعدی به بررسی این حقایق ادامه خواهیم داد.